

فراغ بهشت

بهشت یعنی پاکی و پاکی یعنی فاطمه و فاطمه یعنی قرآن و حدیث طهارت فاطمه مقدمه نزول آیه تطهیر است و این طهارت داستانی دارد: روزی و روزگاری پدری که صورتش مثل ماه می‌درخشید به خانه دخترش فاطمه (س) آمد و گفت: ...انی اجد فی بدنی ضعفا... در بدنم ضعفی احساس می‌کنم...



بهشت یعنی پاکی و پاکی یعنی فاطمه و فاطمه یعنی قرآن و حدیث طهارت فاطمه مقدمه نزول آیه تطهیر است و این طهارت داستانی دارد: روزی و روزگاری پدری که صورتش مثل ماه می‌درخشید به خانه دخترش فاطمه (س) آمد و گفت: ...انی اجد فی بدنی ضعفا... در بدنم ضعفی احساس می‌کنم...

دختر هراسان گفت: اعیذک بالله یا ابتاه من الضعف، از ضعف تو به خدا پناه می‌برم. پدر از دختر خواست تا با کساء یمانی او را بپوشاند و دختر چنین کرد. اندکی بعد فرزند بزرگ دختر، حسن (ع) آمد. به مادر سلام کرد و گفت اینجا رایحه طیبه‌ای به مشام می‌رسد؛ مثل بوی خوش جدم رسول‌الله (ص). و مادر پاسخ داد: نعم ان جذك تحت الکساء.

فرزند نزد جدش رفت و عرض کرد: السلام علیک یا جداه یا رسول‌الله، آیا اجازه می‌دهی نزد تو داخل کساء شوم؟ پیامبر (ص) فرمود: و علیک السلام یا ولدی و یا صاحب حوضی قد اذنت لك. ساعتی گذشت و فرزند دیگر آمد و به مادر سلام کرد و مادر پاسخ داد: سلام بر تو ای فرزندم، نور چشمم و میوه دلم. فرزند کوچک‌تر (حسین (ع)) همان سوال برادر را از مادر پرسید و مادر همان پاسخ را فرمود. او هم به سراغ پیامبر (ص) رفت و اجازه خواست تا با آن دو همراه شود و رسول خدا (ص) پاسخ داد: و علیک‌السلام یا ولدی و یا شافع امتی قد اذنت لك.

در این هنگام پدر خانواده علی بن ابیطالب (ع) وارد شد و فرمود: سلام بر تو ای دختر رسول خدا (ص) و فاطمه (ع) پاسخ داد: و علیک‌السلام یا ابالحسن یا امیرالمومنین.

علی (ع) نیز همان سوال را پرسید: انی اشم عندک رائحه طیبه کانه‌ا رائحه اخي و ابن عمي رسول‌الله... و فاطمه (س) همان پاسخ را داد: ها هو و مع ولدیك تحت الکساء. آری پیامبر (ص) به همراه دو فرزند داخل کساء هستند. علی (ع) هم از پیامبر (ص) اجازه خواست و پیامبر (ص) با زیباترین عبارات پاسخ داد: و علیک‌السلام یا اخي یا وصيي و خلیفتي و صاحب لوايي قد اذنت لك. حالا فقط فاطمه (س) مانده بود که او هم به سمت کساء رفت بر پدر سلام کرد و اجازه خواست تا داخل شود و پدر به پاره تنش نیز اذن ورود داد: و علیک‌السلام یا بنتي یا بضعتي قد اذنت لك...

وقتی تمام خانواده فاطمه (س) زیر کساء جمع شدند رسول خدا (ص) دو سمت کساء را گرفت و به خدا عرض کرد:

اللهم ان هولاء اهل بیتی و خاصّتی و حامتی لحمهم لحمی و دهمم دمی یولمنی مایولمهم و یحزننی ما یحزنهم...

خداوند، اینها اهل بیت و خواص من هستند گوشت و خونشان، گوشت و خون من است. هر که آنها را آزار دهد مرا آزرده و هر که آنها را محزون کند مرا محزون کرده. با هر که با آنها جنگ و ستیز دارد در جنگم و با کسی که با ایشان در صلح و دوستی است، دوستم.

با دشمنانشان دشمنم و دوستانشان را دوست دارم. آنها از من و من از آنها هستم و بعد بهترین دعا را برای آنها فرمود:

فاجعل صلواتک و برکاتک و رحمّک و غفرانک و رضوانک علی و علیهم و اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا

سپس خداوند به فرشته‌ها و ساکنین آسمان‌ها خطاب می‌کند: همانا من آسمان افراشته و زمین گسترده و ماه منیر و خورشید تابان و فلک دوار و دریای مواج و کشتی سیار را خلق نکردم مگر برای محبت این پنج نفر که داخل کساء هستند. و جبرئیل (ع) پرسید چه کسانی در زیر کساءند؟ خداوند در معرفی آنان فرمود: هم فاطمه و ابوها و بعلها و بنوها. خداوند تنها از نام «فاطمه استفاده کرد و چهار نفر دیگر را با ضمیر به این نام مبارک ارجاع داد؛ فاطمه و پدر فاطمه و همسر فاطمه و پسران فاطمه. آنگاه جبرئیل (ع) از خداوند اجازه می‌گیرد تا به زمین بیاید و ششمین نفر آن پنج تن باشد.

خداوند به او اجازه می‌دهد و جبرئیل (ع) نزول می‌کند به پیامبر (ص) سلام می‌کند و می‌گوید:

خداوند علي اعلي به تو سلام مي‌رساند و سوگند ياد مي‌کند تمام هستي را براي محبت شما آفريده و به من اجازه داده تا بر شما وارد شوم آیا شما نيز اجازه ورود به من مي‌دهيد؟

پيامبر (ص) فرمود: و عليك السلام يا امين وحي‌الله انه نعم قد اذنت لك.

وقتي با اجازه پيامبر جبرئيل وارد خانه فاطمه (س) شد، آيه تطهير را خواند: انما يريدالله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيرا

خانه‌اي که محل نزول جبرئيل بود! نه! خانه‌اي که جبرئيل (ع) امين وحي، ملك مقرب خدا، حامل عرش، براي ورود در آن ابتدا از خداوند و سپس از رسول او کسب اجازه مي‌کند تا از عالم قدس در آن داخل شود!

اين خانه از آنچنان طهارت و عظمتي برخوردار است که افلاکيان از آن حريم مي‌گيرند...

بايد هم چنين باشد. خانه‌اي که پيامبر (ص) هرگاه دلش براي بهشت تنگ مي‌شد، به آنجا مي‌آمد و بوي فاطمه (س) را استشمام مي‌کرد و در هر سفری که مي‌رفت، آخرين منزلي بود که با آن وداع مي‌کرد و نخستين محلي بود که در بازگشت به آن مراجعت مي‌کرد.

خانه‌اي که پيامبر (ص) هر نااميد و بي‌پناهي را به آن راهنمايي مي‌کرد راضي برمي‌گشت... و انسان خاكي چقدر بايد از شرافتش ساقط شده باشد تا چنين بهشتي را به آتش بکشد؟! شايد دودي که از اين خانه تا ابد به آسمان بلند است علامتي است که دوستان پيامبر (ص) کوثرش را گم نکنند هرچند تربت پاره تنش را پيدا نکنند. چرا که قطره براي پاک شدنش بايد به دريا وصل باشد.

فاطمه مروي